



۲۰۱۵/۱۲/۰۴



جلیل غنی

مذاکرات بین افغانستان و پاکستان

در کنفرانس قلب آسیا

درین نوشته قبل از آنکه به موقف های افغانستان و پاکستان در برابر یک دیگر نظری انداخته شود و خواسته های دو کشور از یک دیگر توضیح گردد، یک نظر اجمالی و گذرا بر چگونگی مناسبات دو کشور از تاسیس پاکستان در ۱۹۴۷ بدین سو انداخته شده که به هیچ وجه به مفهوم سعی به تدقیق و تحلیل وقایع و رویداد های تاریخی نیست بلکه هدف آن بوده که در پرتو این رویداد ها پیچیدگی های مناسبات دو کشور و دور بودن موقف های آنها از یکدیگر متباز تر گردد.

قرار است دور دیگر کنفرانس قلب آسیا که ریاست مشترک آنرا افغانستان و پاکستان به عهده دارند، در نهم دسمبر ۲۰۱۵ در اسلام آباد دایر گردد. از داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در دوران سفرش به پاریس که برای اشتراک در کنفرانس سران کشورها در مورد اقلیم کره زمین رفته بود دعوت شد که درین کنفرانس اشتراک نماید. این دعوت از طرف نواز شریف صدراعظم پاکستان در مذاکرات دو جانبه که داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و سپس سه جانبه به شمول دیوید کامرون صدراعظم برتانیه داشت، به عمل آمد. آقای غنی گفت این دعوت را تحت غور دارد و آنرا نه پذیرفت ولی روز پنجشنبه چهارم دسمبر یک مقام حکومت افغانستان گفت به احتمال قوی رئیس جمهور افغانستان درین کنفرانس اشتراک می کند. آجندای این کنفرانس احیای اقتصاد افغانستان و تامین امنیت و ثبات در منطقه است. هر زمانی که طالبان در میدان نبرد شکست می خورند و یا دست آوردی مطابق میل پاکستان ندارند پاکستان راه مذاکره با طالبان و همکاری درین زمینه را پیشکش می کند، مخصوصاً بعد از مرگ ملا عمر و پارچه شدن طالبان به گروه های رقیب و متخاصم. ولی از جانب دیگر پاکستان تحت فشار روز افزون والدش، برتانیه، و سایر مجامع بین المللی قرار گرفته تا در مبارزه با دهشت افگنی و کشتن طالبان به میز مذاکرات صلح با افغانستان جدی و صادق باشد و شواهد هم هر روز نشان میدهد که این کشور با موجودیت بیست و پنج هزار مدرسه و حضور گروه های دهشت افکن به منشأ و ماوای دهشت افکنان مبدل شده است.

در کنفرانس قلب آسیا این کشور ها به حیث عضو اشتراک دارند:

افغانستان، آذربایجان، چین، هند، ایران، قزاقستان، قزغزستان، پاکستان، فدراسیون روسیه، عربستان سعودی، تاجکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحد عرب، و ازبکستان.

چند کشور و سازمان منطقه ای و بین المللی عمده دنیا نیز به عنوان کشور های حامی این پروسه درین کنفرانس شرکت خواهند داشت. استرالیا، کانادا، دنمارک، مصر، فنلند، فرانسه، آلمان، ایتالیه، جاپان، ناروی، هسپانیه، سویدن، برتانیه و ایالات متحده امریکا همچنان ملل متحد، سازمان همکاری های اسلامی، سازمان همکاری های اقتصادی، "ایکو" سازمان همکاری های امنیتی و اقتصادی اروپا، ناتو، سازمان همکاری های شانگهای، مجمع همکاری های منطقوی جنوب آسیا یا سارک، اتحادیه اروپا، و کنفرانس تعامل و اعتماد سازی در آسیا.

اما قبل از آن که تأملی بر این سفر داکتر غنی به پاکستان داشته باشیم نظر مختصری به پیشینه مناسبات افغانستان و پاکستان خواهیم داشت در جهت درک بهتری از تشنجات دامنه دار و ویران کننده که مخصوصاً در چهار دهه اخیر باعث بی ثباتی سیاسی، ویرانی نهاد ها و بنیاد های زیر بنائی و ساختار های دولتی و دوام جنگ و کشتار ده ها هزار افغان بی گناه و قوای امنیتی افغان و حامیان خارجی آنها گردیده است. افغانستان و پاکستان از همان آغاز انقسام هند و تشکیل پاکستان در ۱۲ آگست ۱۹۴۷ که حزب مسلم لیگ به رهبری محمد علی جناح پاکستان را تاسیس کرد، مناسبات حسنه به معنی واقعی آن نداشتند.

روابط افغانستان و پاکستان در دو مرحله و یا دوره قابل تامل است یکی زمانی که برتانیه در هند حضور داشت و معاهداتی که افغانستان با هند برتانوی امضا کرد و مرحله دوم بعد از تشکیل پاکستان در ۱۹۴۷ و معاهداتی که کابل با هند برتانوی امضا کرد که تأثیراتش را بر روابط کابل و اسلام بر جا گذاشت.

این معاهدات شامل معاهده لاهور در سال ۱۸۳۱، گندمک در سال ۱۸۷۹، معاهده دیورند در سال ۱۸۹۳ بین حاکمان افغانستان و هند برتانوی میباشد که بر اساس این معاهده قسمتهای از خاک افغانستان تحت تسلط هند برتانوی قرار گرفت. امان الله خان پس از اعلام استقلال افغانستان در ۱۹۱۹ کوشش کرد خاکهای از دست رفته را دو باره بدست آورد اما موفق نشد. بر رسی این معاهدات از بحث ما درین مقالته خارج است و محض به حیث مثال از آنها یاد آوری گردید. هر یک از این معاهدات درج صفحات تاریخ و روابط بین دو کشور است و مورد تحلیل و تجزیه اهل خبره و مؤرخین قرار گرفته و از بحث ما درین مقالته خارج است.

مرحله دوم پس از استقلال هند و تشکیل پاکستان در ۱۹۴۷ است درین دوره افغانستان و پاکستان نظر به مشکلات تاریخی و اختلافات روی اراضی از دست رفت در آن طرف خط دیورند و هم چنان مسایلی که سیاست قدرتهای بزرگ بر آن تأثیر گذار بود، روابط دوستانه را بر قرار کرده نتوانستند.

دولت پاکستان که خود را وارث بلا منازعه و جانشین دولت هند برتانوی بر ساحات تحت اداره این دولت نو بنیاد می دانست، مناطقی را که از لحاظ تاریخی، فرهنگی، نژادی و اجتماعی پیوند عمیق با افغانستان داشت، تصرف کرد. محمد ظاهر شاه پادشاه آن زمان و شاه محمود خان عم پادشاه و صدراعظم وقت نه تنها اینکه عکس العمل منفی نشان ندادند بلکه بدون تأخیر دولت نو بنیاد را به رسمیت شناختند و شاه ولی خان عم دیگر پادشاه به حیث اولین سفیر افغانستان در نومبر ۱۹۴۷ به شهر کراچی پایتخت آن زمان پاکستان وارد گردید.

اما قبل از آنکه پاکستان از بدنه هند به حیث یک کشور مستقل جدا شود در سال ۱۹۴۶ زمانیکه شاه محمود خان به حیث صدراعظم افغانستان اشغال وظیفه نمود، نامه به برتانیه فرستاده و از دولت آن کشور تقاضا کرد که با در نظر داشت وضعیت سیاسی هند برتانوی، موضوع تعیین سر نوشت مردم پشتون در آن سوی خط دیورند

مورد توجه قرار داده شود و زمانی که سال بعد هند منقسم شد باز هم شاه محمود خان در یاد داشت رسمی مسأله تعیین سرنوشت پشتون ها را یاد آور شد و تذکر داده شد که برای پشتون ها و بلوچ ها فرصت داده شود تا حکومت خود را تشکیل دهند و یا هم به افغانستان به پیوندند.

ولی جواب برتانیه برای افغانستان این بود که: سرحدات آزاد حل و فصل شده است و خط دیورند به حیث یک سرحد و حد فاصل بین المللی شناخته شده است، پیمان ۱۹۲۱ هنوز موجود و مورد تطبیق است که خط دیورند را دو باره تائید میکند. (معاهده که بین افغانستان و دولت برتانیه منعقد گردید) درین جواب هم چنان تذکر داده شد که دولت پاکستان به مثابه دولت جا نشین هند برتانوی مالک کامل این منطقه و حاکم بر مردم آن بوده و حق و مسؤولیت یک دولت جا نشین را به دوش دارد.

خط دیورند هسته تشنجات در روابط بین افغانستان و پاکستان بوده است و عده ای از کشور های بزرگ جهان و منطقه نیز روی اهداف مشخص و متفاوت سعی داشته اند به مقاصد پیشبرد منافع استراتژیک و سلطه جوئی ها از این آب گل آلود ماهی مراد را بدست آورند که از آن جمله می توان اتحاد شوروی سابقه را با چشم دوختن به آبهای گرم و برتانیه را برای حفظ منافع منطوقی، هند را برای جلوگیری از نفوذ پاکستان در افغانستان و دوام حاکمیت بر کشمیر تحت تسلط این کشور نام برد. مزید بر آن گرایش رهبران سیاسی دو کشور به ابر قدرت ها و یا ائتلاف با ابر قدرتهای عصر جنگ سرد و یا پیوستن به پیمان های منطوقی مثل سنتو هم درین تشنجات نقش داشته است.

ولی از زمان تشکیل پاکستان در ۱۹۴۷ تا کنون رهبران افغانستان و پاکستان دید و بازدید های هم داشته اند و همواره سعی بر این شده تا راهی برای حل این مشکل بین دو کشور بدست آید. مارشال ایوب خان رئیس جمهور پاکستان در سال ۱۹۶۶ به کابل سفر کرد و در جهت بهبود مناسبات دو کشور مذاکراتی انجام داد. باری مناسبات دو کشور در سال ۱۹۶۳ قطع شد و در همین سال بود که داود خان حامی سر سخت قضیه پشتونستان از عهده صدارت استعفی داد و متعاقباً به دعوت شاه ایران هیاتهای از هر دو کشور در ماه می ۱۹۶۳ عازم تهران شدند و با وساطت شاه ایران، دو کشور به از سرگیری مناسبات موافقه کردند.

این بود نظر اجمالی بر پیشینه روابط پر از فراز و نشیب افغانستان و پاکستان .

بعد از راندن نظام طالبانی در ۲۰۰۱ که تنها از طرف پاکستان، عربستان و امارات متحد عرب به رسمیت شناخته شده بود، فصل نوی در مناسبات افغانستان و پاکستان آغاز گردید که با شعار مبارزه علیه تروریسم رنگ گرفته است. پاکستان به حیث حامی طالبان مناسبات و ارتباطات خود را با این گروه، با وصف مخالفت و مبارزه جامعه بین المللی با این گروه که حامی و نگهبان القاعده و رهبران آن بود، حفظ نمود و در احیا و فعال ساختن مجدد این گروه به حیث یکی از ابزار سیاست خارجی اش نقش کلیدی بازی نمود. این گروه بزرگترین وسیله فشار پاکستان بر افغانستان و حامیان این کشور برای بدست آوردن اهداف و امتیازاتی می باشد که جنرال ضیاءالحق دیکتاتور نظامی پاکستان «عمق استراتژیک» نامید یعنی در افغانستان باید حکومت دست نگر پاکستان و فرمانبردار باشد تا پاکستان به تواند از نفوذ هند جلوگیری نماید و از منابع سر شار زمینی و آبی افغانستان بهره ای بلا مانع برده و تسلط کامل بر امور سیاسی و اقتصادی افغانستان داشته باشد.

در دوران حکومت حامد کرزی رئیس جمهور پیشین هم تلاش های برای بهبود مناسبات با پاکستان و وادار ساختن آن کشور به قطع حمایت از طالبان و سایر گروه های دهشت افکن و کشاندن طالبان به میز مذاکره صورت گرفت اما این تلاش ها بیشتر از یک موقف ضعیف و با تزرع بود نه متکی بر اراده قوی، موقف مستحکم با وصف حمایت جامعه بین المللی و حمایت مردمی در رابطه با مبارزه علیه دهشت افگنی و در برابر مظالم طالب و طالبی ها و حامیان آنها.

حامد کرزی بیست و یک بار به پاکستان سفر کرد و هشتاد بار از طالبان خواست که برای مذاکره حاضر شوند و از پاکستان خواست که برای راضی ساختن طالبان به مذاکره همکاری کند ولی این سفر ها و این زاری ها مثمر ثمری که انتظار میرفت نشد. ولی از نتایج این سفر ها میتوان به نکات آتی اشاره کرد:

۱ - نشست سه جانبه در حاشیه اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در ۲۰۱۲ بین حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان، آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان و دیوید کامرون صدراعظم برتانیه.

۲ - جرگه امن منطقوی بین رهبران سیاسی و قومی پاکستان و افغانستان که نخستین جلسه آن در آگست ۲۰۰۷ در کابل دایر گردید و هدف آن کمک به کاهش درگیری ها در مناطق همجوار افغانستان و پاکستان بود. جلسه دوم در ۲۸ اکتوبر ۲۰۰۸ در اسلام آباد دایر شد.

۳ - کنفرانس کابل در ۲۰ جولای ۲۰۱۰ با حضور چهل وزیر خارجه کشور های مختلف و منشی عمومی ملل متحد، سرمنشی ناتو و شماری از سازمانهای بزرگ بین المللی. که در پهلوی سایر مسایل مربوط به کمک به افغانستان در ساحات اقتصادی، امنیتی، مصالحه با مخالفین مسلح نیز در آجندای آن شامل بود.

۴ - کمیسیون مشترک صلح افغانستان و پاکستان. طی سفر رسمی صدراعظم پاکستان به کابل در ۱۷ اپریل ۲۰۱۲ حامد کرزی و یوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان این کمیسیون را که قبلاً در سطح وزرای خارجه بود به کمیسیون مشترک ارتقا دادند.

اما هیچ یک از این نشست ها و کمیسیونها و ملاقات ها نتیجه مطلوب که قطع حمایت پاکستان از دهشت افگنان ، عدم تجهیز و تربیه دهشت افگنان در خاک پاکستان و قطع جنگ نیابتی پاکستان در افغانستان باشد، نداشت. ولی موافقتنامه های دیگری بین دو کشور با ماهیت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به امضا رسیده است که با به نحو مطلوبی تطبیق نشده و یا اصلاً تا حال کار روی پروژه های توافق شده، آغاز نشده است.

حالا توقعات و تقاضا های پاکستان از افغانستان چیست؟

- پاکستان از همان آغاز برای بدست آوردن اهدافی که از روز نخست تاسیس این کشور توسط تشکیل کننده آن، بریتانیای کبیر، تعیین گردید، تلاش ورزیده و از آن انصراف نکرده است. به رسمیت شناختن خط دیورند به طول قریب ۲۴۳۰ کیلومتر بین افغانستان و پاکستان به حیث سرحد رسمی بین دو کشور در صدر اولویت های سیاست خارجی پاکستان قرار دارد. امور افغانستان در سیاست خارجی پاکستان به دستگاه استخبارات نظامی پاکستان (I.S.I.) سپرده شده است و این «آی اس آی» است که حرف آخر را در مورد سیاست حکومت پاکستان در برابر افغانستان می زند نه حکومت ملکی و روی همین

- دلیل است که اخیراً بعد از سفر نواز شریف صدراعظم پاکستان به واشنگتن راحیل شریف رئیس نظامی پاکستان به واشنگتن سفر کرد و در مورد افغانستان مذاکراتی انجام داد.
- خواست نخست پاکستان از دولت افغانستان به رسمیت شناختن این خط به حیث سرحد رسمی بین دو کشور است چنانچه حامد کرزی هم رسماً این موضوع را بارها اعلام داشت.
 - پاکستان با کمبود شدید انرژی و آب مواجه است و جریان آزاد و بدون قید و شرط آبهای افغانستان به آن کشور مخصوصاً دریای کابل و کنر حیثیت آب حیات را برای پاکستان دارد. مهار کردن این آبها از طرف افغانستان باعث آن میگردد که پاکستان از مقدار معین آب بر اساس یک توافقنامه بین دو کشور استفاده کند که پاکستان نمی خواهد چنین امتیاز رایگان را از دست دهد.
 - پاکستان همچنان میخواهد که عمال آن، طالبان، در حکومت افغانستان نقش کلیدی داشته باشند تا از این طریق بتواند بر تصامیم حکومت افغانستان نقش داشته باشد و اگر تصمیمی بر ضد منافع پاکستان در افغانستان اتخاذ می گردد مانع آن شود.
 - پاکستان می خواهد اداره حد اقل پنج ولایت هم سرحد با افغانستان در دست گماشتگان این کشور، طالبان، باشد تا پایگاه عمده برای مقابله با پشتون های آزادیخواه در آنطرف خط دیورند و وسیله اعمال نفوذ برای جلوگیری از نفوذ هند در افغانستان داشته باشد.
 - پاکستان می خواهد در دستگاه استخبارات و امنیت ملی افغانستان افرادی را به بهانه همکاری های امنیتی به گمارد که گام اول درین مورد موافقت نامه بود که بر طبق گزارش ها بین حنیف اتمر مشاور امنیت ملی داکتر غنی و پاکستان امضا شد که موجب سر و صدا های در جامعه افغانها و پارلمان افغانستان گردید.
 - پاکستان می خواهد که از نفوذ هند در افغانستان جلوگیری نماید و بدین منظور تقاضای انسداد تعدادی از قونسلگری های هند در افغانستان را دارد.
 - پاکستان می خواهد پروژه های عمده اقتصادی و معادن افغانستان را داشته باشد تا بیشترین منفعت اقتصادی را نصیب گردد.

در مقابل تقاضای مشروع و منطقی افغانستان چیست؟

- پاکستان در مبارزه با دهشت افگنی صادق باشد
- در عمل همکاری برای مبارزه با دهشت افگنی را نشان دهد
- کمپ های تربیه دهشت افگنان را در خاک خود مسدود سازد
- دهشت افگنان را برای کشتار بی گناهان افغانستان ارسال ننماید
- در کشاندن طالبان به میز مذاکره صادقانه همکاری کند
- راه های مواصلاتی را بروی مال التجاره افغانی بر اساس موافقتنامه های موجود باز نگهدارد

آیا می توان با چنین پیشینه و توقعات پاکستان ثمری از این دور مذاکرات بین داکتر اشرف غنی و نواز شرف انتظار داشت؟ گر چه رئیس جمهور افغانستان اظهار امیدواری نمود که تا بهار سال آینده راه های مناسبات بهتر با پاکستان و صلح در افغانستان بدست خواهد آمد ولی آیا می توان انتظار ثمر سیب از این بید داشت و چه بجا ضرب المثلی داریم در فرهنگ غنامند خویش که می گوید: آزموده را آزمودن خطاست.

پایان

درین نوشته از این مأخذ استفاده شده است:

- ۱ - سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری های منطقوی، مرکز مطالعات استراتژیژیک وزارت امور خارجه
- ۲ - افغانستان در مسیر تاریخ ، میر غلام محمد غبار
- ۳ - افغانستان در پنج قرن اخیر، میر محمد صدیق فرهنگ

